



محمد الله و وطن دوست

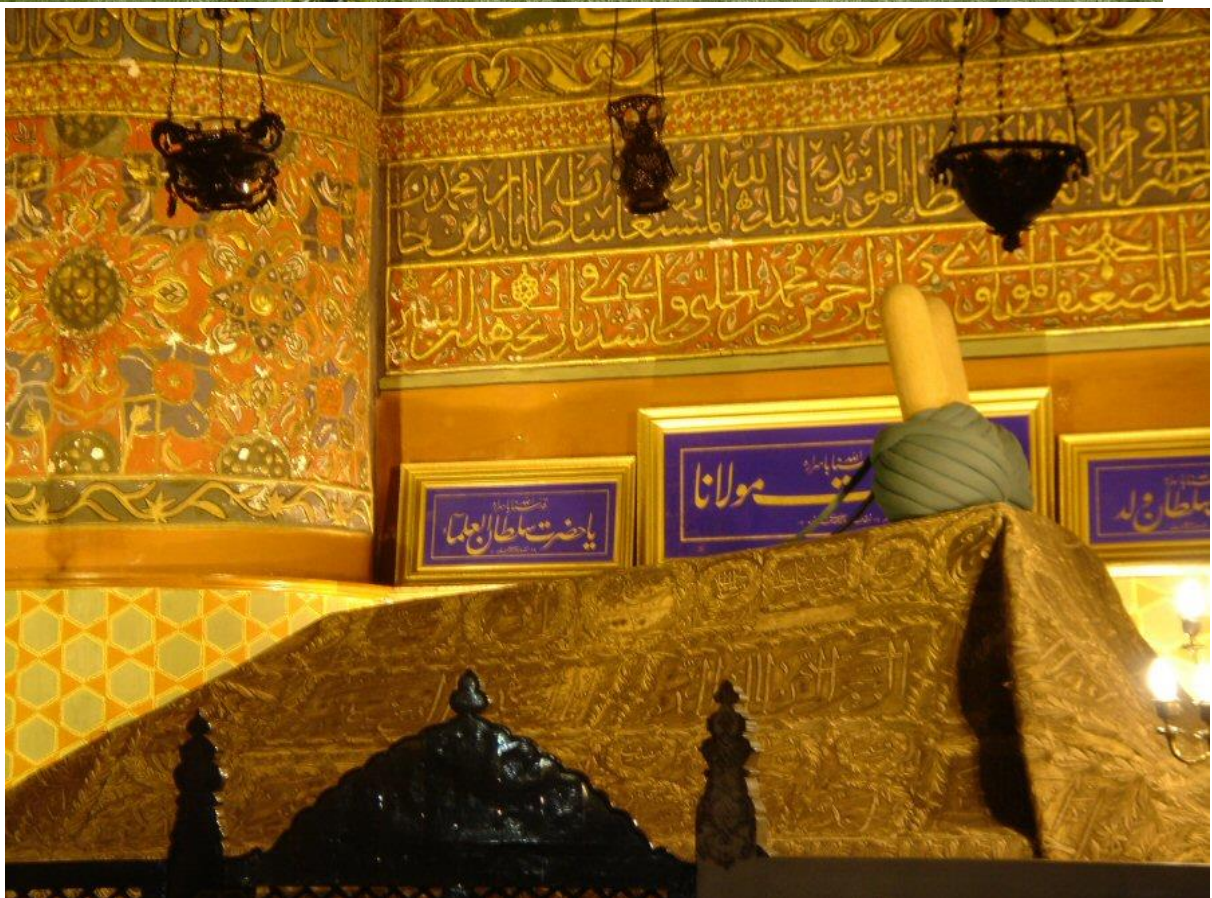
یادداشت های از سفر ترکیه

20 /4/2015

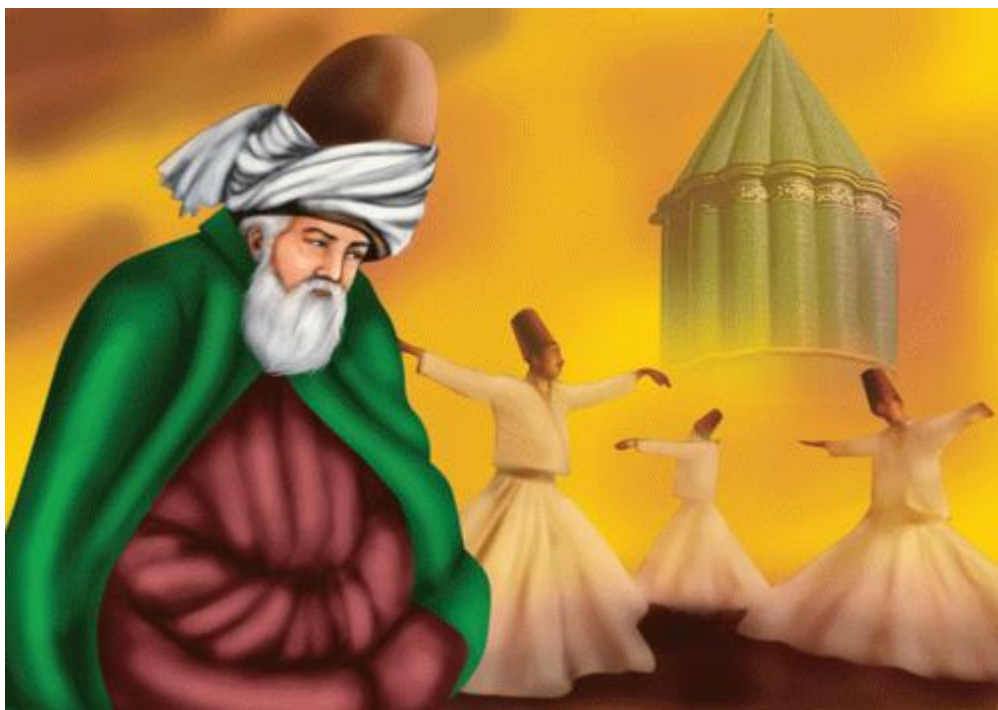
از یازدهم تا هژدهم اپریل سال جاری امکان سفر در ترکیه میسر شد و اینک بجای یادداشت های روزانه جریان سفر بازگو می گردد: این سفر نسبت به سفر های قبلی تفاوت های جدی داشت. در این سفر بجای پرسه زدن در جاده ها و مارکیت ها همه فرصت، صرف بازدید از جاهای تاریخی و کلتوری گردید و در شناخت کشور ترکیه و تاریخ و فرهنگ غنی این کشور مدد رسانید.

ساعت دو شب دوازدهم اپریل زمانیکه در هتل جابجا شدیم، از جانب رهنما اطلاع داده شد که فردا ساعت هشت صبح جانب شهر قونیه حرکت صوت می گیرد و در مسیر راه با کوه های پر برف و سر به فلک کشیده و شاید هم با هوای سرد زمستانی و برفباری مواجه شویم. این اطلاع بخاطر پوشیدن لباس مناسب داده شده بود که متأسفانه من از داشتن لباس مناسب زمستانی محروم بودم و فکر می کردم که در هوای گرم ترکیه در این فصل سال به لباس زمستانی ضرورتی نخواهد بود. وقتیکه در قله کوه از موتر پائین شدیم واقعا هوای سرد و باد گزنده آزار دهنده بود و تفریح و توقف نیم ساعته طاقت فرسا. بهر حال این وضع تحمل شد و به مسیر خود جانب قونیه حرکت نمودیم.

ساعت دوازده و وقتیکه موتر را بمنظور زیارت مقبره مولانای بزرگ این هموطن والا شان و افتخار آفرین مان ترک کردیم، هوای گرم و گوارای قونیه سردی مسیر راه را از ذهن و روان زدود و در هوای گوارا با روحیه عالی به زیارت مولای روم شتافتیم. با تأسف باید یاد آور شوم که برای زیارت مرقد آن بزرگمرد تاریخ و فرهنگ صرف یک ساعت وقت داده شده بود. کسانیکه به مقبره مولانا مشرف شده اند بخوبی می دانند که بازدید از موزیم و ساختمان مقبره در یک ساعت آنهم در آن ازدحام روز تعطیل که هزاران هواخواه و مرید مولانا به زیارتش شتافته اند، کار صعب و دشواریست. با وجود این محدودیت، من و همسر و هسفر عزیزم تلاش ورزیدیم تا محلی را نادیده نگذاریم و تا حدی که ممکن است تصاویری به فرزندان و دوستان تهیه کنیم. از نسخه های نایاب قرآن کریم، از دیوان خطی مولانا از کتاب فیه مافیه آن بزرگوار، از هیكل درویشان و صوفیانیکه چنان ساخته شده اند که گویی همین حالا در حالت رقص سماع اند و یا در مراقبه و مکاشفه فرو رفته اند، از کچکول درویشان و تسبیح های بزرگ آنان، از لباس مورد استفاده زمان مولانا و خاصتا از مرقد پر نور مولانای بزرگ تصویر و عکس های اخذ شد. نوای دلنشینی و جایگاه ابدی مولانا که در میان اعضای خانواده اش قرار دارد هر انسان رامحذوب خود می سازد و به عظمت این انسان بزرگوار معترفش می کند.



مولانا حلال الدین محمد بلخی که بنابر اقامت طولانی در قونیه که زمانی جزء قلمرو روم بوده و همین اکنون آثار فراوان فرهنگ رومی را به خود جا داده است، به مولانای روم نیز مشهور است، یکی از شخصیت های استثنائی تاریخ جهان است که عظمت شخصیتش با گذشت زمان بیشتر مورد توجه قرار می گیرد و هر روز به شهرتش افزوده می گردد. شخصیتی که امروز نه تنها در شرق بلکه در غرب مادیگرا نیز طرفداران فروانی دارد و انسانیت با تعالیم معنوی وی می خواهد خود را از سردی و یکنواختی دنیای مادی نجات دهد و به مرتبه عالی معنویت دست یابد. امروز فیلسوفان، دانشمندان و علمای بزرگی در جهان غرب آثار و آفریده های مولانای بلخی را مرور می نمایند و با تعمق به آثار وی به عمق تعلیماتش می خواهند پی ببرند و برای نجات بشریت از مشکلات زندگی افسرده گی، یاس و ناامیدی و پوچی و بیهوده گی، تعلیمات مولانا را راهنمای خود قرا دهند و راه نجات بشریت را به درک معنویت تعلیمات مولوی می بینند.



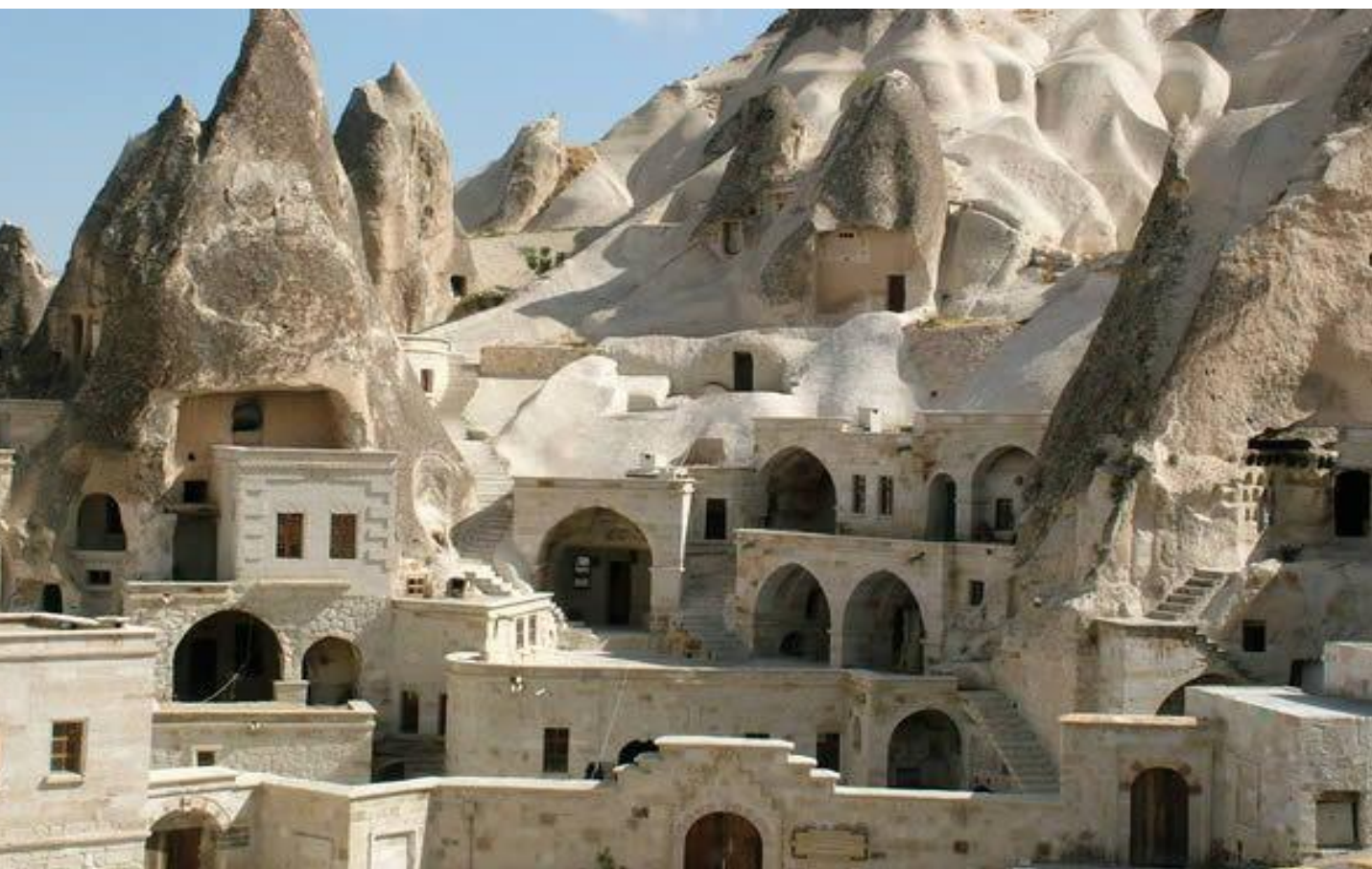
عطش چندین ساله زیارت مرقد چنین شخصیت عالی مقام در فرصت محدود ممکن و میسر نبود که فرونشیند بنا با حسرت تمام با خواندن دعای خیری به حق این مرد بزرگوار، محضرش را ترک گفتم و امید بر آن بستیم که در فرصتی دیگر باز هم شرفیاب بارگاه آن عالیجناب شویم و عطش خود را فرونشانیم.

شهر قونیه که در همه جا بوی مولانا را داشت جایگاه مقدسی به نظر می رسید که هر باشنده آن در بودن در جوار زیارت آن ابر مرد تاریخ بر خود می بالید و این افتخار بزرگ را با هیچ چیز دیگر معاوضه نمی کرد.

خاطره این بازدید نه تنها در هفته اقامت در ترکیه در ذهن وجود داشت , بلکه تا امروز که این یادداشت را می نگارم و یقیناً در آینده های دور تا زمانی که فرصت زیست برای من در این عالم خاکی میسر است, ذهن و روان مرا بخود مشغول خواهد داشت و از این بازدید مبارک با مباحثات یاد آور خواهم شد.

شهرمولوی را بقصد نو شهر ترک گفتیم و بعد از استقرار در هتل تعیین شده واستراحت لازم روز بعدی را در منطقه وسیع و دیدنی کپه دوکیا سپری کردیم.

کپه دوکیا دربر گیرنده ولایات قونیه , نوشهر, آقسرائ و حصار ها بوده جاهای تاریخی منحصر به فرد را شامل می گردد. این منطقه زمانی مربوط رومیان بوده کلیسا های نقاشی شده , قصر های کنده شده در میان کوه ها و پایه های سنگی که گوئی با دست بشر تراشیده شده است انسان را مجذوب خود می سازد . بعد از رومیان, یونانی ها در این منطقه مسلط شده اند و بعد از قرن هفتم میلادی اسلام, آئین و فرهنگ یونانی را عقب رانده تمدن اسلامی جانشین آن تمدن ها گردیده است. امروز آثار تمدن رومی, یونانی, مسیحی و اسلامی در پهلوی هم در همزیستی و همانکی کامل با هم این منطقه را به منطقه پر جاذبه گردشگری تبدیل نموده ملیون ها توریست از اکناف جهان به دیدن این منطقه می شتابند و با گشت وگذار در قله کوه ها , در میان قصر ها , کلیسا ها و مغاره ها از نقاشی های رومی و یونانی بازدید می نمایند و با دیدن شهکار های هنری در دیوار و سقف کلیساها ی قدیمی, انگشت حیرت به دندان می گیرند و به خلاقیت انسان ها تحسین و آفرین می فرستند



ما نیز با دیدن نقاشی های بی نظیر در کلیسا ها و مغازه ها تعجب و حیرت خود را پنهان نتوانستیم و ساعت ها موضوع صحبت و بحث ما را این شهکارهای هنری تشکیل می داد. در دیوار کلیسا ها و مغاره ها تصاویر حضرت مریم، حضرت عیسی، حواریون و تصاویر پاپ ها و کشیش های مسیحی با چنان مهارت و زیبایی نقش شده که رنگ های روشن و چشمگیر آن چشم هر بیننده را خیره می سازد. کلسیاهای متذکره در میان کوه های سنگی با تراشیدن سنگ ها بوجود آمده و در سقف و دیوارهای سنگی این نقاشی ها خلق گردیده است.

در پهلوی یک کلیسا قبرهای کشف شده با اسکلیت های انسانی توجه را بخود جلب می کند و نهایت زنده گی که مرگ و نیستی است به عیان به نمایش گذاشته شده است

در کپه دوکیا پایه های سنگی بی شماری را انسان متوجه می شود که بمرور زمان در صد ها هزار و میلیون ها سال شکل امروزی را بخود گرفته چنان می نماید که گویا به دست بشر این سنگ ها به شکل هندسی تراشیده شده و پایه های منظم و یک ساخت را در ساحه وسیعی بوجود آورده است. پایه های یاد شده چنان منظم و زیباست و چنان منظره عالی را تشکیل داده که تعجب و تحسین انسان را بر می انگیزد.

قصر عظیم و بزرگی در قله یک کوه در منطقه یی قرار دارد که ساحه وسیعی را می توان از آنجا تر صد نمود. بنابه توضیح رهنما در زمان رومی ها و یونانی ها این قصر مرکز فرماندهی منطقه بوده حکمرای منطقه ازین قصر مجموع منطقه را اداره و کنترل می نموده است. محلات تر صد در مناطق مختلف بمنظور حفاظت منطقه از حملات احتمالی دشمن احداث شده در ساحات وسیعی جابجا و بصورت مطمئن از منطقه دفاع می نموده است. قصر یاد شده واقعا اهمیت استراتژیک داشته تسلط بر این قصر تسلط بر ساحه وسیع کپه دوکیا را ممکن می نموده و نیروی مسلط بر قصر نیروی فاتح منطقه محسوب شده است.

در ساحه یاد شده در مسیر سرک های استقالت و یا در فاصله خیلی کم از سرک ها، کاروانسرای های عظیمی وجود دارد که در قرون وسطا از چین تا کرانه های مدیترانه امتداد داشته است. این کاروانسرا ها شامل دروازه های بزرگ دخولی، اتاق های استراحت، برج های تر صد، مسجد و محل وسیع برای حیوانات بارکش و محموله های تجاری بوده در فاصله تقریباً سی کیلومتر از یکدیگر فاصله داشته اند. طبق توضیح رهنما، کاروانسرا ها در فاصله یکروزه راه شتر رو اعمار گردیده مجموع فاصله از چین تا کرانه مدیترانه در صد روز طی می شده است. کاروانسرا های متذکره در مسیر راه معروف ابریشم قرار داشته. راهی که از چین آغاز و از خراسان و فارس و شام و روم می گذشته و به کرانه های مدیترانه ختم می گردیده است. جالب است سفر کاروان ها معمولاً در شب صورت گرفته روز ها در کاروانسرا ها به استراحت می پرداختند. این نکته یادآور امنیت و مصونیت این راه طولانی است که کاروان ها بدون بیم از غارت و چپاول این راه طولانی را آنهم در شب می پیمودند و اموال خود را از شرق به غرب و از غرب به شرق عرضه می داشتند. قابل یادآوریست که شهر های معروف کشور ما و کشور های همجوار همچون بخارا، سمرقند، بلخ، فاریاب، هرات، نیشاپور، طوس، کابل، غزنی و بغداد در مسیر راه ابریشم قرار داشتند و از برکت این راه معروف به مرکز تلاقی تمدن ها و فرهنگ های مختلف تبدیل شده بودند که متأسفانه امروز با متروک شدن راه ابریشم از اهمیت این شهر ها نیز کاسته شده است.

در کپه دوکیا بازدید از شهر های زیر زمینی که برای نجات از حمله احتمالی دشمن احداث گردیده و در هر شهر از صد تا هزار خانواده می توانسته است جاگزین شود، خیلی جالب و هیجان انگیز بود. این شهر ها که به قول رهنما بیشتر از صد شهر تا هنوز کشف شده در ساحه وسیع کپه دوکیا در زیر زمین ساخته شده معمولاً سنگی و تراشیده شده است. شهر های متذکره معبر های تنگی دارد که یک نفر به مشکل می تواند از آن عبور نماید. گرچه دارای چندین دروازه ورودی و خروجی بوده اما محل دروازه ها از سطح زمین به آسانی قابل تشخیص نیست. در شهر چاه عمیق یکی برای استفاده عمومی و دیگری برای نوشیدن حفر شده، آشپزخانه عمومی، ذخیره گاه عمومی مواد غذایی و غذاخوری عمومی را شامل می گردد. هر خانواده دارای یک اتاق بوده برای حیوانات اهلی همچون بز و گوسفند در مدخل شهر جای معین وجود داشته است. دروازه های ورودی و خروجی با سنگ های بزرگ همچون سنگ های آسیاب مسدود گردیده باز نمودن آن از بیرون غیر ممکن و از داخل برای باشنده گان شهر سهل و ساده بوده است. گرچه بازدید از شهر ها برای کسانی که فشار خون بالا و یا تکلیف قلبی دارند توصیه نمی شود و رهنما قبل از داخل شدن به شهر این موضوع را اعلان می نماید اما گروپ ما بلا استثنا داخل شدند و بدون کوچکترین مشکل از شهر متذکره بازدید نمودند. در پروگرام سفر بازدید از شب ترکیه و رقص درویشان نیز گنجانیده شده بود که خیلی جالب بود. شب ترکیه باز هم در رستورانتی که در زیر زمینی در میان سنگ ها احداث شده بود برگزار گردید. در داخل رستورانت در حالیکه از مهمانان با انواع اغذیه و اشربه استقبال صورت می گرفت. رقص و آواز ترکی دو ساعت کامل انسان را بخود مشغول می داشت و زمان در آن فضای رمانتیک گویی متوقف می شد و انسان چنان محو تماشای رقص های زیبا و موزوی و آوازگیرا و جذاب زیبارویان ترکی می گردید که موقعیت خود را فراموش می کرد و می خواست با آنان همگام و هم آواز گردد و حرکات زیبای آنان را تقلید نماید. تصادفاً آواز خوانان و رقاصان نیز مهمانان را در شرکت به رقص و آواز دعوت می کردند و خوشی و سرور مهمانان را به حد اعلا می رساندند.

شب ترکی با نمایش بیرق ترکیه در یک فضای هیجان انگیز خاتمه یافت و ما با خاطرات شیرین و فراموش ناشدنی محل را به قصد هوتل محل اقامت مان ترک گفتیم.



رقص درویشان پروگرام جالب و هیجان انگیز دیگری بود که آنهم در رستورانتی در قعر زمین و در میان اتاقی کنده شده در میان سنگ ها برگزار گردید.

رقص روحانی درویشان با نظم و ترتیب خاص در حضور سرگروه یا مرشد آغاز گردید و در سکوت کامل و مطلق مهمانان دو ساعت کامل دوام نمود.

حرکات منظم و حساب شده درویشان و نوای دلنشین نی و دف انسان را چنان تحت تاثیر قرار می دهد که حتی نفس کشیدن را نیز با احتیاط انجام می دهی تا مبادا به حرکات رقص خللی وارد شود و یا لحظاتی ولو محدود از دیدن رقص محروم شوی.

دیدن رقص درویشان یا رقص سماع که در طریقه مولویه روش موثر تزکیه نفس و نزدیکی و قرب به حق خوانده می شود، چنان هیجان انگیز و در عین حال احترام بر انگیز بود که دو ساعت کامل نه تنها مسلمانان بلکه همه بازدید کنندگان اعم از آسیایی، اروپایی، امریکایی و استرالیایی پیرو ادیان و مذاهب مختلف و دارای کلتور و فرهنگ گوناگون با احترام و سکوت کامل شنیدند و تماشا کردند و محور رقص درویشان و مکتب با عظمت مولانای بزرگ شدند.



بعد از رقص درویشان و استراحت در هتل روز بعدی بازدید از شهر آنتالیا و آبشاری در این شهر شامل پروگرام بود.

شهر آنتالیا که طبق توضیحات راهنما، در زمان رومی ها احداث شده از نام امپراطور رومی اناتولیس گرفته شده است. این امپراطور پنج صد سال قبل از مسیح اساس شهری را در کرانه شرقی مدیترانه گذاشته که بقایای آن تا هنوز دیده می شود، دیوارهای قدیمی، برج های نگهبان و بندر کوچکی شهر قدیمی و اولی آنتالیا

را تشکیل می دهد. اما آنتالیای امروزی با تعمیر ها، بناها و ساختمانهای عصری و با عظمت، بازارهای پر جم و جوش و مارکیت های بزرگ شهر عصری و مدرنی است که بادیگر شهر های ترکیه کمتر قابل مقایسه است. سرک های فراح، پارک های زیبای شهر آنتالیا با بلند منزل های دل انگیز هر تازه وارد را مجذوب خود می سازد. در اکواریوم شهر انواع ماهی ها و حیوانات بحری را می توان تماشا نمود و ساعت ها لذت برد. جای نهایت زیبا و دیدنی آنتالیا آبشاریست که از ارتفاع بیست و هفت متری آب بداخل بحر مدیترانه می ریزد و کف نقره گون آب تا صد ها متر در میان بحر قابل تشخیص است. آبشار آنتالیا در میان پارک بزرگی در کنار بحر موقعیت دارد و تماشای آن برای هر بیننده شهر آنتالیا لازمست.



اطراف شهر آنتالیا را درخت های مدیترانه یی مخصوصا نارنج و مالته فراگرفته در روزهاییکه ما مصروف بازدید از منطقه بودیم، درختان با میوه های رسیده و شیرین آن خیلی تماشایی بود. تناول از مالته تازه چیده شده درخت چنان لذت بخش است که روز ها و هفته ها مزه آن فراموش نمی شود و با یادآوری آن بذاق دهن خود بخود جاری می شود.

درین سفر از مهربانی، ادب و نزاکت رهنمای گروپ افسر بازنشسته ترکی بنام احمدتایفون بیدل که ما بصورت مختصر تایفون بیگ خطابش می کردیم باید با ستایش و احترام یادآور شویم. این افسر بازنشسته معلومات عمیق و کافی در مورد تاریخ ترکیه مخصوصا گذشته درخشان و غنای فرهنگی کپه دوکیا ارایه نمود که من شخصا مدیون او هستم. سهولت های ترانسپورتی، غذاهای گوناگون و کافی در هتل ها، اتاق های خواب مستریخ و آرام، حوض های آبیازی با آب نیم گرم و حمام های ترکی داخل هتل ها همه ستایش انگیز بود که مرهون سازماندهی دقیق رهنمای خوب مان هستیم

سفری که به یازدهم اپریل آغاز و به هژدهم اپریل خاتمه یافت مشحون از خاطرات شیرین و نیک بوده دوستان دنمارکی شامل گروپ همه راضی و خرسند در میدان هوایی بیلوند دنمارک با هم خداحافظی نموده هر کس مسیر خود را در پیش گرفت.

من نیز با همسر عزیزم در جمع خانواده به بازگویی خاطرات سفر پرداختیم و به این سفر نقطه پایان گذاشتیم.
محمدالله وطندوست